

بنام مقصود عالمیان

این نامه‌ایست از مظلوم بسوی مظلومی که از کأس بلا آشامید و از کوب باسء چشید وارد شد بر تو آنچه بر ما وارد شد محزون مباش عنایت حقّ ترا احاطه نمود نجات بخشید حقّ جلّ جلاله شاهد و گواه که در کلّ حین تحت لحاظ بوده و هستی از عاقبت امور احدی الاّ الله آگاه نه لذا نباید در امورات حادثه مکدر باشی اگر لذت بیان رحمن را بیابی و عنایتش را آگاه شوی خود را بر سریر اطمینان و فرح مشاهده کنی قد بدل الله اضطرابک بالاطمینان و ذلك بالعزّ انه یكون معک فی کلّ الأحوال قل

الهی الهی فرج همی بچودک و عطائک و ازل کریتی بسطنتک و اقتدارک ترانی یا الهی مقبلاً الیک حین اذ احاطت بی الأحزان من کلّ الجهات اسألک یا مالک الوجود و المهیمن علی الغیب و الشهود باسمک الذی به سخرت الأفئدة و القلوب و بأمواج بحر رحمتک و اشراقات انوار نیر عطائک ان تجعلنی من الذین ما منعمهم شیء من الأشياء عن التوجه الیک یا مولی الأسماء و فاطر السماء ای ربّ تری ما ورد علیّ فی ایامک اسألک بمشرق اسمائک و مطلع صفاتک ان تقدّر لی ما یجعلنی قائماً علی خدمتک و ناطقاً بشنائک انک انت المقتدر القدير و بالاجابة جدیر ثمّ اسألک فی آخر عرضی بأنوار وجهک ان تصلح اموری و تقضی دینی و حوائجی انک انت الذی شهد کلّ ذی لسان بقدرتک و قوتک و ذی درایة بعظمتک و سلطانتک لا اله الاّ انت السامع المجیب